

وب سایت استاد موسوی



تاریخ روز : ۲۱/۰۲/۱۳۹۷

تاریخ ثبت : ۲۸ خرداد ۱۳۹۵

عنوان : چرا علم نمی‌تواند جواب علم را بدهد؟

«بسمه تعالی»

چرا علم نمی‌تواند جواب علم را بدهد؟

دانشمندانی که در پایه‌های مختلف علوم در تحقیق و انکشافند، آن‌هایی که ابزار علمی می‌سازند، ناوگان‌های زیردریایی، قاره‌پیماها را می‌سازند، به فضا پرواز می‌کنند، ریتم‌ها را می‌گیرند، و به زمین مخابره می‌کنند، برآند علم را به پایان برده‌اند. اما پس از گذر مدتی محقق دگر می‌آید و علمی ظریفتر و دقیق‌تر را در همان پایه ارائه می‌دهد، دستگاهی با سرعتی بیشتر می‌سازد و...

با خط درشت می‌نویسد

«به کشف این راز رسیدم»

و حال این که این گفته ناتمام؛ چرا ناتمام باشد

جواب: چون از فکر بشر زائیده شده، و دیگر محققى نسخ نظر او را می‌نماید از مرکز لایزالی و بی‌نهایت قدرت بروز نموده است. آن چیزی که هم به راستین است و هم بی‌عیب و نقص است، و هم به حقیقت راه خواهد یافت، ضرور است نشأت از قدرت لایزالی گیرد. در حقیقت این امر وجود قدرتی فوق ماده را تثبیت می‌نماید. و این اصل بر جهانیان آشکار می‌شود که علم واقع نزد حضرت اوست. یعنی وقتیکه هیچ عالم برای علمش پایانی نبود، در می‌یابد که تتولوژی و غایت شناسی برایش میسر نیست.

آری، علم نمی‌تواند نه به خود و نه به دیگری پاسخ قاطع دهد، فقط می‌تواند از دید فیزیک دانان علت را بیان کند یا از دید ریاضی‌دانان دلیل را ولی به غایت نمی‌رسد. مثلاً چرا آفتاب به دریا می‌تابد؟ چرا زمین به دور خود می‌گردد؟ چرا اتم‌ها در خورشید پیوسته منفجر می‌شوند و تبدیل به گرما و نور می‌شوند؟... این قبیل پرسش‌ها را دارد. علم نه توانسته و نه خواهد توانست پاسخ غائی را بیابد پس، چه باید کرد که حداقل به پاسخی آرام کننده رسید؟!؟!!

آیا می‌توان از استاد نحریری به پاسخ این پرسش رسید؟

آری، آن که به دریای عرفان الهی غوطه ور باشد، به رسائی جواب مفتخر خواهد شد.

باید گفت دانشمندان و محققان این علوم (علوم پایه) ارتباط و اتکاءشان تنها به ابزار علمی محدود و چند اصطلاح علمی است، از این رو غایت علم در همین اندازه‌ها ناپیدا می‌شود و نمی‌تواند به پاسخ غائی برسد. اما دریای متلاطم عرفان که ناخدایش سکان کشتی عینی را در اختیار دارد، چون وابسته به خزانه الهی است، در جواب این مشکل به یقین کوشا خواهد بود زیرا این پاسخ‌ها از سلسله معرفت اوست (خدا) و آن معرفت هم نه مقدار دارد، نه مکان دارد، نه زمان، دائماً در اشراق است.

کسی که بتواند به خزانه رحمت حق راه یابد، او بجایی می‌رسد که جسم و جاننش در عشق حق است. چون به عشق حق رسیده است، و سراسر وجودش پر از اوست، جواب را هم از عشق حق می‌یرد. چنانی که مجنون پر از عشق لیلی شده بود و می‌فت؛ لیل را به صورت ندارم، چون جامی است به دست من که حیات من در آن جام پر است، و سراسر از آن جام بهره‌رم.

پس عرفان که جواب می‌گوید جسم و جاننش پر از علم و عرفان الهی است ولی تکنیک گران و ماده گران در قالب اندازه علم را پیاده نموده‌اند دنیا بداند هیچ گاه آنان (ماده گران) به غایت نخواهند رسید.

ادامه و نتیجه می‌ماند به دیگر زمان: چه کسی لیاقت برای عرفان دارد؟

منبع: از سلسله مباحث تحقیقی فیلسوف متاله استاد سید علی موسوی